



(نقش و تاثیر عوامل دولتی بر بناهای خصوصی در دوران پهلوی اول)

مریم رحمانی مقدم^۱

۱- مریم رحمانی مقدم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، rahmanioac@gmail.com

چکیده

معماری ایران از اواخر دوره قاجار و شروع دوره پهلوی دچار هرج و مرج و آشفتگی شد. در معماری پهلوی ما شاهد احداث همزمان ساختمانهایی هستیم که هر کدام بیانگر یکی از مکاتب فکری دوره‌هایی مشخص از تاریخ ایران هستند. در واقع می‌توان به عنوان نمونه این گونه ساختمانهای التقاطی نام برد. این گرایشهای متفاوت و بعضاً متضاد در معماری این دوره ناشی از اختلاف در گرایشهای سیاسی و ایدئولوژیک این عصر از تاریخ ایران است که ریشه در جریانهای عقیدتی - سیاسی اواخر دوره قاجار و اوایل دوران پهلوی دارد نتیجه این انفعال فرهنگی، بخصوص در زمینه معماری، عرضه و تکمیل سبکهای مختلف معماری اروپا و آمریکا در دهه‌های اخیر به کشور بوده است. در معماری به دلیل انتصاب غرب‌گرایان و تحصیل‌کردگان به بوزار پاریس و بعداً مکتب فلورانس و رم و در شهرسازی به انگلستان و آمریکا، غلبه با آنها شد. ابنیه خصوصی یکی از اقسام بناها را در عصر پهلوی تشکیل می‌دهد که در جایگاه خویش حائز اهمیت است. معماری بخش خصوصی در این دوره که قسمی از آثار و معماری خصوصی امروز را نیز شامل می‌شود تحت تأثیر عوامل متعددی شکل گرفته است که یکی از آنها، معماری ساختمان‌های دولتی و عمومی است. گرچه الگوبرداری از ابنیه دولتی و عمومی، پیشرفت‌ها و امکانات تازه‌ای در معماری و در مواردی همخوانی با اقلیم را در پی داشته‌لکن از آنجا که موجب رواج معماری غیرخودی و دارای هماهنگی اندک با اقلیم شده و تا به امروز نیز ادامه یافته است، ریشه‌یابی این تأثیرپذیری اهمیت پیدا می‌کند. لذا هدف این تحقیق، دستیابی به علل و میزان نقش علل در تأثیر معماری برخی از ابنیه دولتی و عمومی بر معماری بعضی از بناهای خصوصی است.

واژه‌های کلیدی: عوامل تأثیر، ابنیه دولتی، بناهای خصوصی، دوره پهلوی.



مقدمه

در برخی از منابع در خصوص علل تأثیر ابنیه دولتی و عمومی اشاراتی به چشم می خورد اما دلایل زیر، ریشه یابی تأثیر و میزان تأثیر علل را پیش می آورد که در این مقاله بدان پرداخته می شود: علت اشارات مذکور، اهمیت بناهای خصوصی و موضوع تأثیر بر این ساختمانها که بسیاری از آنها بر جای مانده و بخشی از بناهای امروز شهرها را تشکیل می دهند و سهمی در چگونگی معماری آن دارند، مؤثر بودن در شناخت بخشی از معماری خصوصی بعد از این دوره به سبب تداوم معماری بناهای متأثر از ابنیه دولتی در این دوره، شناخت بیشتر معماری خصوصی این عصر، و تصمیمگیری، برنامه ریزی و اتخاذ تدابیر معمارانه برای اصلاح تدریجی روند معماری آنها. ضروری است نسبت تأثیر علل، که نقش شان در امر اثرگذاری به اندازه خود علل است، نیز معین شود. بنابراین، این پژوهش در وهله اول به دنبال کشف علت های تأثیر معماری ساختمان های دولتی و عمومی بر معماری ابنیه خصوصی و سپس به دنبال تعیین اجمالی عوامل دیگری دخیل در شکل گیری معماری ابنیه مردمی متأثر از بناهای دولتی و عمومی است.

این نکته در این تحقیق مدنظر است که دوره پهلوی از نظر فعالیت های معماری و شهرسازی به سه مقطع زمانی تقسیم می شود که در هر یک از آنها، اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، برنامه ای و جمعیتی خاص تأثیرگذار معماری و شهرسازی وجود دارد: ۱- (۱۳۲۰ ش): ادامه معماری پیش از مدرن و مدرن ۲- (۱۳۳۲ ش): زمان اوج مدرنیسم و سبک بین المللی و معماری بساز و بفروشی ۳- (۱۳۴۴ ش): شامل نگرشی است که ضمن تکرار سبک ها و روش های متداول غربی، سعی بر بکارگیری ویژگی های معماری و شهرسازی گذشته ایران و ایجاد هویت در معماری ایرانی دارد. به این شیوه، "سبک پیوندی، احیایی یا ملی اطلاق" شده است. در این زمان التقاط گرایي و کالسیسیسم نیز وجود داشته و جنبش مدرن، سبک بین المللی و معماری بساز و بفروشی هم تداوم دارد.

یکی از اصطلاحات مبنا در این پژوهش، ابنیه دولتی و عمومی است. منظور از بناهای مذکور، ساختمان هایی است که متعلق به عموم مردم بوده و بعضی از آنها با سرمایه گذاری و بودجه دولت احداث شده و طرح آنها طبق نظر یا تأیید دولت تهیه می شود و برای تشریفات خاص به کار می رود و یا مورد استفاده عموم مردم است؛ نظیر کاخ، مدرسه، ساختمان اداری، یادمان، موزه و دانشگاه. به این بناها معمولا ساختمان های دولتی اطلاق می شود. برخی دیگر از بناها، از هزینه مردم یا مردم و دولت ساخته می شود و معمولا مطابق با نظر یا تایید مسئولین آنها طراحی و بنا شده و عموم مردم از آنها بهره مند می شوند مانند بانک و شهرداری. این بناهای عمومی، دولتی است.

یکی دیگر از اصطلاحات پایه، بناهای خصوصی است. مقصود از بناهای خصوصی، ساختمان هایی است که با سرمایه گذاری و هزینه مردم یا بخش خصوصی و مطابق با نظرات یا تأیید آنها برپا می شود و می توان به آنها عنوان بناهای مردمی یا بناهای غیردولتی نیز اطلاق کرد. این ساختمان ها ممکن است برای آموزش یا بهداشت و درمان و ... بنا و وقف شوند و یا جهت مصارف و سرمایه گذاری عمومی. از این رو متعاقبا عموم نیز در هزینه آن نقش پیدا می کنند که می توان آنها را "عمومی خصوصی" نام نهاد و یا شخصی بوده و تحت مالکیت شخصی قرار دارند. مسکن آپارتمانی و غیر بساز و بفروشی، مدارس، حمام ها، مراکز بهداشتی - درمانی، مراکز تجاری و سفارتخانه ها نمونه هایی از این نوع بناها به شمار می آید. ویلاهای شخصی و خانه های بساز و بفروش خارج از این محدوده قرار می گیرد.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

از اواخر حکومت قاجاریان و ابتدای حکومت پهلوی، تجدد طلبی و نوگرایی غربی و روشنفکری در بسیاری از اقشار پدیدار شد. برنامه مدرن سازی رضاشاه به طور مستقیم در سنت های معماری بناهای شخصی تاثیر گذاشت. فرهنگ غربی، شکل گیری طبقه متوسط در حال رشد، تبدیل معماری به یک حرفه و غربی شدن متظره ی شهر، همگی در تجدید نظر در نوع خانه ها و مصالح و پلان ها موثر بود، تجدید نظری که معماران و سازندگان و مشتریان آنها را به طور مستقیم در فرایند تفسیر ارزش های سنتی و مدرن دخالت می داد.

در دوره ی رضاشاه با اینکه عده ی زیادی مخالف اصلاحات نوسازی به شیوه ی رضاشاهی بودند اما از آنجایی که بسیاری از تجدیدطلبان که الگوبرداری از غرب از حکومت به آنان سرایت یافته بود و به خاطر ارتباط بیشتر با اروپائیان، خواستار تغییر در شیوه های زندگی و به خصوص معماری مسکن خود به شکل غربی بودند، زمینه کار را برای معماران مدرنیست در خانه سازی مدرن فراهم نمودند و همین خانه ها بودند که بعدا الگویی برای خانه سازی در سطح وسیع تری در شهرها شدند. پس از بناهای متعددی که به وسیله ی دولتمندان شاغل و روشنفکر در گوشه و کنار شهرستان ها ساخته شددیری نپایید که دولتمندان عامی نیز یکی پس از دیگری شیوه های معماری نو را به خدمت گرفتند.

روش تحقیق

روش های تحقیق مورد استفاده، تاریخی، علی، توصیفی و تحلیلی هستند. الگوبرداری چه با توجه به ویژگی دولتی یا عمومی بودن ساختمان ها و چه بدون عنایت به آن صورت گرفته باشد، از آنجا که ویژگی مذکور را داراست لذا در حیطه این تحقیق قرار می گیرد.

ساختار معماری در دوره پهلوی

جامعه تجدد گرای این دوره به یکسری رویکردها و فضاهاى جدید نیازمند است و در این راستا معماری عهد پهلوی اول با نگرش احیاء حس ناسیونالیستی (ملی گرایی) و فرار از عصر ملال آور قاجاریه و تبعیت از الگوی شهر صنعتی قرن بیستم و سرعت بخشیدن به آبادانی با وجود کمبود نیروی انسانی متخصص و وضعیت اقتصادی نامناسب آغاز گردید. در این دوره دولت تعیین کننده سبک معماری است و تبلیغ معماری غربی به عنوان نماد تجددگرایی و ساختار معماری شهری برای اولین بار به دست معماران بیگانه انجام می گیرد. در این راستا ساخت بناها در مقیاس بزرگ به همراه عملکرد و تکنولوژی ساخت متفاوت رایج شد که تنها به پیدایش نمادهایی از یک هویت ملی انجامید که قدمی در جهت صنعتی شدن و آغاز مدرنیسم در ایران بود. و همچنین به دلیل عدم آشنایی استادان هنر معماری ایران با عملکرد بسیاری از این ساختمان ها و اصرار حکومت برای تسریع در ایجاد شکل های مناسب برای بیان وضعیت ملی گرایانه و تغییر سنت در کهن دلیل حضور معماران بیگانه و شرکت های خارجی شده و نهایتا توسط نخستین نسل معماران ایرانی تحصیل کرده در اروپا با تفکرات جدید و اکثرا تقلیدی در عرصه معماری شهرسازی ایران ادامه پیدا کرد. که در این میان جدال و تقابل کهنه و نو باعث ظهور مفاهیم جدید از عناصر معماری و شهرسازی متفاوت با گذشته در این مرز و بوم شد. حضور معماران بیگانه به عنوان طراح در ایران و بدون شناخت از معماری اصیل ایرانی و نداشتن آگاهی از اصول و مفاهیم و الگوهای حاکم در این معماری از یک سو و همچنین نیاز به فضاهاى جدید که برگرفته از تحول تجدد گرایی از سوی دیگر و نیز حذف معماری ایرانی در این روند باعث دگرگونی اصول و عناصر معماری سنتی ایرانی و خلاصه شدن وجه مشترکشان تنها در مصالح ساختمانی است. به این جهت معماری و شهرسازی به سمتی گرایش پیدا نمود تا آغازگر جنبشی نو در تاریخ معماری ایران به عنوان معماری دوره پهلوی اول باشد.



در این دوره در جدال بین شکل و محتوی و در تعریف رابطه بین انسان و فضای کالبدی، چهارالگو یا سبک در بیان معماری این دوره به کار گرفته می شود که هر یک بیان کننده تحول و نضوری است که از تجدد گرایی حاصل شده است که شامل: سبک التقاطی: معماری مبتنی به ادامه سبک تهران در دوره قاجار و تلفیقی از عناصر معماری بومی و بیگانه است. سبک ملی گرا: ایران باستانی-معماری مبتنی بر یادآوری شکوه و جلال گذشته های دور و مبتنی بر تحسین و تمجید افراطی سبک بین الملل: این معماری متأثر از جنبش معماری نو در اروپا سبک کلاسیک اروپا: این سبک تاثرات معماری صنعتی از معماری قرون هفدهم تا نوزدهم می باشد.

۱. زمینه های ایجاد معماری جدید

خصوصیاتی که در دوره پهلوی به ویژگی های برجسته و تاثرگذار تبدیل شده اند و ره آوردشان تغییرات و دگرگونی های ایجاد شده از جمله در معماری است. در ادامه به مهمترین تاثرات اشاره می شود:

۱.۱ تاثرات باستان گرایی

معماری این دوره در نگرش باستانگرایی خود مشخصاً به دو دوره ی هخامنشیان و ساسانیان توجه بیشتری دارد. دلیل آن به تنهایی می تواند آثار بیشتر به جا مانده از این دو سلسله باشد. اما در نگاه معمارانه، عناصری که مورد بهره برداری و یا تقلید قرار گرفتند به دو گونه بود:

اول: عناصر مشخص معماری در بنا نظیر ستونها، سزستونها، پایه ستونها، پنجره ها، پلکان، ورودیها، قوسها و دهانه ها و...

دوم: عناصر تزئینی نظیر نقوش برجسته، حجاریها، مجسمه ها، کنگره های بام و...

البته در این اقتباس هیچ گاه پلان و یا عملکرد خاص آن معماری مورد استفاده قرار نگرفت. طاق کسرای ساسانی برای موزه و ستونها و ستونهای تخت جمشید برای بانک و بناهای اداری و نظامی به کار گرفته شد. به عبارتی آنچه در ظاهر بیشترین تاثر را می توانست القاء کند در سطح وسیعی مورد انتخاب و استفاده قرار گرفت. (کیانی، ص ۸۵)

۱.۲ تاثرات نظامی گرایی

همزمان شدن دهه دوم حکومت پهلوی اول با روی کار آمدن و اقتدار حزب نازی در آلمان و ارتباط نزدیک و بی سابقه ایران و آلمان و پی آمد آن انجام فعالیت های عمرانی و ساختمانی توسط متخصصین آلمانی، خود به خود روحیه نظامی را در ساخت بناهای این دوره دو چندان نمود. این تاثرات هم بر نقشه ساختمان ها بود که به گونه ای پنهانی تفوق عملکردگرایی و تنظیم فعالیت های آن به طور پی در پی، خطی و دارای سلسله مراتب، شکل گیری پلان را به حوزه های دالانی و کشیده می رساند و هم تاثرات، بر نمای ساختمان بود که به گونه ای ملموس هیبت و تفاخر نظامی به خود می گرفت. تاثرات نظامی گرایی و حضور روحیه نظامی در معماری این دوره را می توان در هر دو دسته بناهای نظامی و غیر نظامی مشاهده نمود. (کیانی، ص ۱۱۴)

ویژگی هایی که در بناهای این دوره مشخص و منتج از روحیه نظامی گری هستند را می توان در موارد زیر بیان کرد:

۱- «استحکام» بناها در دوره بیست ساله مشخصه ای ملموس از این سالهاست که پیش از آن در دوره قاجار وجود نداشت. سستی و ضعف بنیادی به کلی با یک ساختار نظامی که پایه های آن بر سختی، قدرت، اطاعت و نظم بنیان گشته ایت متنافر است، از این جهت ویژگی استحکام در معماری این دوره ناشی از این خصلت نظامی است.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

- ۲- «سرعت در ساخت» پروژه‌های ساختمانی و عمرانی را می‌توان از فراوانی بناها نسبت به کوتاهی زمان بیست ساله دریافت. این ویژگی نظامی که انجام یک کار در زمان معین و کوتاه صورت گیرد و عملیات ساختمانی را به مثابه یک عملیات نظامی متصور سازد یک موفقیت برای سازنده محسوب می‌شود.
- ۳- «نظارت» و سرکشی بناها در طول فعالیت حاکی از کنترل نظام ساخت و ساز است، در سازمان ارتش که هر رده‌ای پاسخگوی دقیق به مافوق است تشکیلات را وظیفه شناس و خود کنترل می‌کند.
- ۴- «تأثیرات روانی» ناشی از نگرش‌های نظامی گری، مهمترین صفت آن بود که به اشکال گوناگون در آثار معماری این دروه ظهور کرد. عناصر مشابه، یک شکل و مکرر در نمای ساختمان‌ها نظیر پنجره‌ها، ستونها و یا نشانه‌های دیگر تداعی کننده لباس‌های متحدالشکل نظامیان شده بود. عظمت، اقتدار، سربلندی، افراستگی، تحکم و ابهت واژه‌های نظامی بودند که اینک در معماری مصداق شکلی پیدا کرده بودند و اعلان‌های شهردار تهران در جهت اجرای ضوابط شهرسازی به مانند اعلانهای چند ماده‌ای جنگی و نظامی درآمده بودند که عدم رعایت آنها مجازات در پی داشت. (کیانی، ص ۱۱۶)

۱,۳ تأثیرات مدرن گرایی

مکتب معماری مدرن به وسیله دانش‌آموختگان ایرانی از فرنگ برگشته که در سال‌های آخر دوره پهلوی اول به ایران بازگشتند به ارمغان آورده شد. از آن رو که نهضت مدرنیسم در معماری هم چون دیگر مکاتب نخست در دانشگاه‌ها مورد توجه و آموزش قرار گرفت. آثار مطرح و به جا مانده از مکتب معماری مدرن را در نخستین سالهای پیدایش آن در ایران به طور عمده باید در تهران و در ساختمان‌های غالباً عمومی و غیر دولتی مشاهده کرد. (بانی، ص ۱۳۴)

۱,۴ تأثیرات شهرسازی جدید

در دوران پهلوی اول ضوابطی با تصمیم و تصویب در مرکز و در چهارچوب قانونی متمرکز و به طور یکسان در سراسر شهرهای ایران پیاده شد و بدون آنکه عوامل گوناگون و تعیین کننده اقلیمی، فرهنگی و ... در طراحی معماری و برنامه ریزی شهری در نظر گرفته شوند، نسخه‌ای واحد برای همه‌ی آنها پیچیده شد. به نظر می‌رسد اعلان زیر اولین دستورالعمل شهردار تهران است که به طور مستقیم مالکان را متوجه قوانین و ضوابطی می‌نماید که اینک ناظر آن یک سازمان دولتی است و تخلف بر آن بر طبق نظام بلدی، جرم محسوب می‌شود:

اعلان بلدیة تهران - ۱۲ برج عقرب ۱۳۰۳ شمسی :

چون بناهایی که سابقاً در خیابانها و کوچه‌های شهر شده بر طبق اصول معماری و مهندسی نبوده و به این جهت در اغلب قسمت‌ها معابر کج و معوج است برای نظارت بلدیة در بناهای جدیدالاحداث مخصوصاً قسمت شارع با مناظر مطبوع تر ساخته و رعایت اصول هندسی شود به عموم آقایان مالکین خانه‌ها و دکانین اعلام می‌شود:

- ۱- در آتیه هر موقع خیال احداث ساختمان جدیدی دارید و یا محتاج به ایجاد معبر جدیدی می‌شوید قبلاً باید به بلدیة اطلاع بدهند که مهندس رسمی بلدیة در محل حاضر شده بر طبق دستور مهندس مذکور رفتار شود.
 - ۲- دربهای دکانین خیابانها و معابر که به سمت معبر باز می‌شوند باید طوری ساخته شوند که به داخل دکان مفتوح گردد و درب دکانین فعلی که غیر این است در موقع تجدید و تعمیر به صورت فوق الذکر درآید.
- بدیهی است متخلفین از این مواد بر طبق نظامات جاریه بلدیة تعقیب خواهند شد.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

هرچند که این دستورالعمل، عمومی، کوتاه و تنها شامل دو ماده واجب الاجراست ولی حاوی نکاتی مهم است که مبنای قوانین و ضوابط مفصل و متعدد سالهای بعد در نظام شهرسازی ایران می شود:

- نخستین تلقی در طراحی و توسعه جدید شهر، اصولی نبودن معماری و مهندسی گذشته است. در اینجا معابر تنها به دلیل اینکه کج و معوج ساخته شده اند، خارج از اصول هندسی تعریف می شوند.
- شارع از آن دید که موضوع منظر و زیبایی شهر مطرح است، در سیر حرکت از درونگرایی به برونگرایی پیشتر و بیشتر از معابر و گذرهای فرعی مورد توجه قرار می گیرد.
- نظارت مهندس که برای اولین بار صورت می گیرد نشان از کنترل و سازماندهی در ساخت بناها و نظارتی یکدست است. این تغییرات کالبدی فعلا به طور یکطرفه و تنها از طرف دولت و توسط نماینده آن (مهندس ناظر) صورت می گیرد.
- در بند دوم اولین تصمیمات را در برتری حق عمومی و شهروندی نسبت به حق خصوصی به اجرا می گذارد.
- همچنین برای نخستین بار تعمیر و تجدید بنا منوط به اصلاح و رعایت قانون و دستورالعمل های شهرداری می شود. این دستور بعدها به شکل های مختلف از جمله عقب نشینی ساختمان منجر می شود و صدور پایان کار بنا در گرو رعایت آن دستورالعمل ها قرار می گیرد. (کیانی، ص ۱۹۲)

۲. ویژگی های معماری دوره پهلوی

پس از بیان تاثیرات اساسی که می توانستند معماری دوره پهلوی را به گونه ای ممتاز معرفی کند به ویژگی های منتج از آنها می پردازیم که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. این ویژگی ها را در چارچوب عناصر معماری- شهری مورد بررسی قرار می دهیم:

۲.۱ برون گرایی

شاید از بزرگترین و قدیمی ترین مشخصه های معماری گذشته ایران که آن را از دیگر مکتب ها و به ویژه از سبک های غربی متمایز می سازد پدیده ی درون گرایی است. البته اهمیت فرهنگی- اجتماعی به مرور زمان بر درجه امنیتی آن اولویت پیدا کرده و این امر بیشتر در حوزه عمومی و سکونتی رایج شده است. شکل گیری و حضور این پدیده کهن در معماری ایران قاطعانه تا پایان دوره قاجار ادامه داشت. اولین بناهای حکومتی اواخر قاجار و نیز تحولات عقیدتی و اجتماعی در آغاز دوره پهلوی اول مهمترین خصلت معماری گذشته ایران را هم تغییر داد و بناها در همه حوزه ها دست به بندی های ساختمانی به ناگهان از درون به بیرون چرخش داده شدند.

بنابراین پدیده برون گرایی نخست در اندیشه ها شکل گرفت و معاقب آن و بنا به نیاز های خواسته یا ناخواسته و در نهایت با پذیرش آن به معماری و ایجاد بناهای شهری نوین سرایت نمود. اولین ساختمان های بزرگ و مهم شهر نظیر شهربانی، شهرداری، وزارتخانه ها، بانک ها و مراکز تجاری در راسته خیابان ها به نمایش فعالیت و رفتارهای خود پرداختند که پیش از این در درون انجام می شد. این نهضت نمایشی علاوه بر اینکه فضای بیرونی را فعال تر، زنده تر، شلوغ تر و متنوع تر ساخت به سرعت در بافت شهری و حوزه مسکونی نیز وارد شد و بافت شهرها به گونه ای درآمد که اگرچه دیر یا زود انجام می گردید اما بی پروا و گستاخانه صورت گرفت. (کیانی، ص ۲۳۴)

در این دوره پنجره ها یکی پس از دیگری به روی کوچه ها و خیابان های جدیدالاحداث گشوده می شوند. دیوارهای حیاط ها کوتاه تر و شکیل تر می شوند. خیابان های پهن و کوچه های نوخاسته، میدان دید کافی در اختیار بینندگان رهگذر می گذارند و



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

صاحبان بناها ناگزیرند به حکم ضرورت و آبرو در عرضه آن چه که به نمایش می‌گذارند سلیقه بیشتری به خرج بدهند و سلیقه دیگران را نیز در نظر بگیرند. (رجبی، ص ۱۱۲)

۲،۲ پلان (نقشه)

معماری معاصر ایران در دوره قاجاریه، نخستین تغییرات را در عناصر تزئینی و ظاهری بنا به خود گرفت و گام‌های این تاثیرپذیری را به آرامی و با تلفیقی متناسب بود و این تغییر تقریباً کم‌ترین تاثیر را در پلان و نقشه معماری آن دوره را داشت، در دوره پهلوی اول، بر عکس بیشترین تاثیرات و شاید شدیدترین تغییرات در حوزه پلان بنا صورت گرفت. به دلیل حضور سریع و بی‌وقفه عملکردهای جدید در معماری، پلان‌ها عیناً و بدون تطبیق محلی و فرهنگی وارد حوزه معماری ایران گردید و رشد این پدیده بدون پیشینه، بیشتر در ساختمانهای حوزه اداری و حکومتی صورت گرفت، سپس در بناهای خصوصی پدیده‌ای که ب‌طور کامل از غرب وارد ایران شد. برون‌گرایی ساختمان‌ها در این دوره تا جایی پیش رفت که حتی در پلان نیز تاثیر گذاشت، به طوری که در گذشته پلان‌ها به دلیل داشتن حیاط مرکزی به طور شعاعی عمل می‌کردند ولی در این دوره فرم پلان کاملاً دگرگون می‌شود.

۲،۳ نما

بالتر قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین و نیز نمایش آشکار آن در محور وسط و ورودی ساختمان مشخص می‌گردد. بر آمدن بنا از سطح زمین (تعمداً و نه به علت وضعیت سایت یعنی بر روی صفا احداث کردن) علاوه بر اینکه یک اثر را نسبت به اطراف خود بهتر بیان می‌کند و آن را به طور شاخص از محیط اطرافش جدا می‌سازد، با ایجاد ارتفاعی کاذب و البته دلپذیر بر سیما و نمای آن تاکید می‌کند. این تنوع روانی در فرم و فضا که باعث قطع تداوم یکنواخت بصری می‌شود از خصوصیات بناهای این دوره است. تمام بناهای دولتی، آموزشی، بانکها، بناهای خصوصی و... این دوره مظهر این نمایش‌ها هستند. ورودی‌های بلند و ستونهای مرتفع و کشیده در بناها، از یک نگاه به معماری دوره گرا آلمان و آغاز قرن بیستم، و از نگاه دیگر به عظمت و قدرت باستان‌گراییه ایران که نو به تعبیری نئوکلاسیسم ایرانی نظر دارد، و به هر طریق در پی اقتدار و عظمت است. مقایسه بناهای آلمان هیتلری، ایران هخامنشی و ایران رضاشاهی موید این شباهت شکلی و بصری است اما این که این شوکت و اقتدار در کدام یک از آنها به شکلی راستین و یا به گونه‌ای کاذب بیان شده است، شاید بهترین نشانه‌اش ساختار حکومتی، اندیشه و عمل قدرت واقعی هر کدام از آنها باشد. نمای بناهای دوره رضا شاهی بیشترین استفاده را از نشانه‌ها و عناصر خطی و عمودی برده است. ستون‌ها و پنجره‌ها و پایه‌ها بیشترین نقش را در این کاربرد داشته‌اند تا بتوانند بر ایجاد حس ابهت و شکوه بنا در بیننده بیفزایند. بر خلاف این حرکت عمودی، خود بناها هستند که در جهت افقی کشیدگی دارند و در جهت سنگین و حجیم بر زمین نشسته‌اند، تلفیقی از این عناصر خطی افقی و عمودی در نمای ساختمان‌ها تصویری از تکرار غیر یکنواخت را دارد. حضور ساختمان به دلیل طولی بودن برای ناظری که از جلوی این بنا حرکت می‌کند به زودی تمام نما پذیرد، که در مقام قیاس برای شهروندی که پیشینه بناهای کوچک، پوسته‌ای و سست معماری دره قاجار (تنها از این نظر) را دیده است، تشدید کننده و موثر است. پنجره‌ها به معنای آنچه که توسط معماری دولتی و سپس مردمی در منظر عمومی قرار گرفت در دوره پهلوی اول ظهور پیدا کرد. قبل از این زمان، بنا به فرهنگ و نگرش اجتماعی و نیز خواست و تمایل طولانی معماری درون‌گرای بناهای عمده شهرهای ایران (خارج از وضعیت اقلیمی و دفاعی فرهنگی آن)، ارتباطی با کوچه و خیابان به جز یک درب اصلی خانه نداشت. پنجره‌ها به همراه ایوان‌ها که پیش از این به درون حیاط باز میشدند اینک با طرح‌هایی که ضوابط آنرا نظام شهرسازی بلدی، اجرا و نظارت میکرد به شکل پنجره‌های



جدید و بعضاً همراه با بالکن به کوچه و خیابان باز می شدند. در پنجره‌ها علاوه بر کاربرد چوب و شیشه در شکلی ساده و اجرایی تر، برای اولین بار فلز به شکل نرده و محافظ به کار گرفته می شود. به همین دلیل هماهنگ با نرده‌های بالکن‌ها، فلزکاری با طرح و نقوش جدید، که بیشتر منعکس کننده آثار فلزی قرن ۱۹ اروپا است تا برگرفته از نقوش قدیم و سنتی، زیننده بناها و نماهای شهر می گردد، تأثیری که مستقیماً از غرب می گیرد. تا دید بینهایت بیننده تقویت شده و حرکت و کشش به انتهای دید مرکزی ادامه یابد.

۲.۴ مصالح ساخت و ساز

نهضت عمران و آبادانی و ساخت و ساز فراوان به همراه سرعت و سهولت در کار، استفاده از آجر را در اولویت قرار داد به طوری که در مدت زمانی کوتاه بافت جدید آن دهه‌ها به شکلی موزون و هماهنگ برای بناهای آجری به رنگ‌های زرد و قرمز شد و به شکلی وسیع نخست در بناهای اداری و سپس در بافت مسکونی و تجاری رایج گشت.

استفاده از آجر در بناها به دلیل سرعت و سهولت باعث گردید که تزئینات بیشتر یادآور نسبی از نقوش دوران پیش از صفویه است. معماری در این دوره در استفاده به جا از تزئینات هرچند ساده و مختصر هنوز نگاه به گذشته دارد. اتفاق تازه در این دوره رویکرد به عناصر حجمی و مجسمه‌سازی است که باز نگاه دوگانه باستانی و غربی به خوبی قابل تشخیص است. استفاده از نقوش "فروهر" و "لوتوس" و ستون‌ها به خوبی در این دوره ممتاز است.

بناهای دوره پهلوی اول در تأثیر از معماری غرب، کمترین و دیرترین بهره‌گیری را در تکنولوژی ساخت و سیستمهای ساختمانی داشته است. ساختمانهای این دوره به شیوه‌های سنتی و با خشت و آجر اجرا می شد. تیرآهن شاید اولین و تنها ماده مورد استفاده در این دوره است که برای پوشش سقف‌ها به کار گرفته شد. (کیانی، ص ۲۳۸)

در این دوره برای اولین بار سبک شهرسازی متحدالشکل در تهران و شهرها صورت می گیرد، دلیل آن دستورالعمل‌های واحدی است که تا پیش از این سابقه‌ای نداشته‌اند. (کیانی، ص ۲۴۸)

برای مثال در سالهای پایانی حکومت رضاشاه (۱۳۱۹) دستورالعمل مؤکد وی مبنی بر عدم استفاده از سنگ مرمر در ساختمانها- اعم از دولتی و غیر دولتی- جالب توجه است. در این سند در ابلاغ محرمانه و فوری وزارت کشور به شهرداری تهران آمده است: به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ابلاغ می شود به کار بردن سنگ مرمر در ابنیه دولتی و غیره به کلی ممنوع است فقط ممکن است فقط ممکن است سنگ مرمر برای ساختن میل و قوطی سیگار و پایه چراغ مورد استفاده عموم قرار گیرد در این صورت هرکس بخواهد سنگ مرمر برای ساختمان عمارت به کار برد باید جلوگیری شود. به کار بردن سنگ مرمر در کاخ شاهنشاهی دلیل این نیست که سایرین هم تا سی نمایند و باید کمال مراقبت شود که در هیچ عمارت دولتی و شخصی سنگ مرمر به کار برده نشود... (کیانی، ص ۱۰۷)

۳. خصوصیات بناهای دولتی و عمومی اثرگذار

تقدم در ساخت : بناهای دولتی و عمومی تأثیرگذار عمدتاً دارای تقدم زمانی ساخت نسبت به ابنیه خصوصی اثرپذیر بودند. اغلب فارغ التحصیلان دوره های نخست دانشکده هنرهای زیبا ابتدا در سازمان های دولتی به کار پرداختند. البته تقدم کاربرد سبک های مدرن و پیوندی در این بناها نیز تقدم ساخت را همراهی کرد که خود نیز تأثیرگذار شد. (بسکی، ص ۸۶)

تازگی بنا : قشر مرفه، مهندسان را به خدمت گرفتند از این رو نوگرایی تأثیر زیادی بر آنها گذارد و افراد معمولی نیز از مد تقلید کردند. هر قدر نوآوری در بنا بیشتر بود تأثیر ساختمان نیز به تبع آن افزایش می یافت. فی المثل کار سنگی از دوره رضاشاه آغاز شد و تازگی داشت و به تدریج در عصر پهلوی دوم در ساخت ابنیه دولتی و عمومی رواج یافت و توسط بخش خصوصی نیز به



طور گسترده بکار گرفته شد. از اواخر دهه چهارم عصر پهلوی، حرکت جدیدی به سبک به اصطلاح پیوندی ایجاد شد. این حرکت به معماری مدرن و معماری گذشته ایرانی هر دو توجه کرد.

معماری دولتی (سازمان های نوین‌داری دولتی و بانک ملی ایران) تمایل بیشتری به ایجاد بناهای اصیل و ملی به این صورت داشت. تازگی این حرکت موجب استقبال دولتمندان از آن نیز شد. البته اتصال نسبی به معماری گذشته به عنوان یک خصوصیت اثرگذار، بنا به دلایلی کمتر از نو بودن مطرح بود. (رجبی، ص ۸۴)

بعضی از بناهای دولتی و عمومی این دوره جزو ابنیه شاخص و ارزشمند آن محسوب می شوند. اگرچه در عصر پهلوی به علت لزوم ساخت سریع بناهای دولتی توجه به هنر معماری به حداقل ممکن رسید و در زمان شکوفایی اقتصادی پروژه های محول شده به مشاوران تراز اول، به علت کثرت کارها توسط مهندسان کم تجربه انجام شد لکن نمونه های با ارزش معماری نیز اجرا شد. (باور، ۸۳)

ابهت، عظمت و بلندی : بناهای بلند بر بعضی از ابنیه خصوصی اثر داشته است که برخی از فاکتورهای آن را مورد بررسی قرار می دهیم .

عناصر نماهای بزرگ : با توجه به اینکه پروژه های بزرگ معماری توسط دولت و بخش عمومی انجام می گرفت، لذا این بناها اغلب دارای نماهای بزرگی بودند که سبب جلب نظر و تأثیر اجزا و عناصر آنها بر مردم و معماری مردمی می شد. عناصر بناهای بلند : ابهت و بلندی ساختمان های بلند دولتی و عمومی موجب تأثیر اجزا و عناصر آنها بر بعضی از ابنیه خصوصی شد. وجود بناهای متعدد از هر گرایش معماری یا عناصر موجود در چندین بنا و وجود ابنیه متعدد دولتی و عمومی از هر سبک رایج یا کاربرد عنصری در چندین بنای دولتی و عمومی، ویژگی اثرگذاری به این سبک ها یا عناصر بخشیده است. لازم به ذکر است تعداد ابنیه دولتی و عمومی به شیوه پیوندی کمتر و به مراتب اثرگذاریشان نیز کمتر بوده است. قرارگیری در معرض دید عموم : از آنجا که در این دوره جامعه به شدت ظاهرگرا و مصرف گرا بود لذا نمای شهری بناها بالاخص نمای رو به خیابان بسیار اهمیت یافت.

تطابق با تمایلات فرهنگی اقشار مختلف جامعه : بناهای دولتی و عمومی عمدتاً براساس فرهنگ غربی ساخته شد که فرهنگ معماری روز بود. لذا مردم از این ابنیه که بر مبنای این فرهنگ استوار بودند الگوبرداری کردند. مطابقت با نگاه زیبایی شناسانه طبقات مختلف جامعه : بعد زیبایی شناختی بناهای دولتی و عمومی با دید زیبایی شناسانه اقشار گوناگون جامعه که متأثر از زیبایی شناسی مدرن بود، هم خوانی داشت و در تأثیرپذیری از این ساختمان ها مؤثر بود. هماهنگی با سطح اقتصادی قشر مرفه : برخی از بناهای دولتی و عمومی صرفاً با امکانات مالی طبقه مرفه مطابقت داشت و این قشر طبق تمایزشان، از آنها تأثیر پذیرفته اند.

۴. ویژگی ها و شرایط بخش خصوصی تأثیر پذیر

عدم ارتباط با معماری فرامرزی : از آنجا که قشرهای پایین و متوسط اجتماع، بضاعت مالی سفر به خارج از کشور را نداشتند لذا از معماری های پیشرو که مشاهده می کردند، معماری دولتی بود و از آن الگو می گرفتند. خواست طبقه مرفه برای الگوبرداری : تمایل قشر بالای جامعه برای تقلید به همراه تمکن مالی آنها سبب اقتباس از بناهای دولتی شد.



مایل یا ناگزیر بودن افشار متوسط و پایین برای الگوبرداری : نظر به اینکه طبقه میانی جامعه تقریباً می‌توانست تمایلات خود را نسبت به بناهای مدرن در نظر بگیرد و یا ممکن بود با توان مالی اش ناچار به تقلید باشد از این رو به ویژه از سال های ۱۳۴۹ به بعد که درآمدش افزایش یافت، از برخی از ابنیه دولتی و عمومی تأثیر پذیرفت.

۵. عوامل واسطه‌ای

استادان عالم، باسابقه و سرشناس و اثرگذار : اساتید عالم، مجرب و سرشناس، و سبک‌هایی که توسط این اساتید تعلیم داده می‌شد از عواملی است که باعث می‌شد دانشجویان در طراحی بناهای خصوصی، از بناهای دولتی یا عمومی ساخته شده توسط آنها یا به سبک‌های آموخته شده اثر بپذیرند. اساتید خارجی و داخلی دانشکده هنرهای زیبا که به شیوه‌های اوایل مدرن و مدرن و گاه در تلفیق با معماری سنتی، بناهای زیادی در دوره پهلوی اول ساخته بودند، نقش مهمی در آموزش نوع معماری داشتند و همان شیوه‌ها را بعد از ۱۳۲۰ نیز ادامه دادند.

همچنین از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد نیز تغییراتی که در شهرسازی و معماری اروپا و آمریکا رخ داد همراه فارغ التحصیلان ایرانی آن دیار به دانشگاه‌ها و محافل حرفه‌ای ایران وارد شد از آن جمله موضوع اهمیت یافتن و حفظ ساختمان‌ها و بافت تاریخی و طرح موضوع هویت در معماری بود. (اعتصام، ص ۱۰۱) لذا در برخی از پروژه‌های معماری نیز تلاش شد با معماری گذشته ارتباط برقرار شود. (ص ۵۹)

پژوهش، جامعه و مجامع حرفه‌ای، ارتباط یا همکاری با اساتید و معماران پیش‌کسوت و سرشناس : با تأسیس «انجمن آرشیوتکت‌های دیپلمه ایران» در ۱۳۲۳ و تأسیس نخستین مجله حرفه‌ای بنام «آرشیوتکت»، اندیشه‌های معماری مدرن در سطوح ابنیه دولتی و مسکونی رسوخ کرد. به عنوان مثال، «وارطان» در میان معماران و سازندگان ایرانی پیروانی یافت که کم‌کم عناصر کار او را در کارهای خود به وام گرفتند. (معرفت، ص ۱۲۸)

۶. عوامل جانبی

تداوم رواج تجددگرایی و برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی : گرایش به غرب و تأثیرات فرهنگی که در دوره پهلوی وجود داشت بالخص قشر متوسط را در بر گرفت قشر متوسط جدید در اکثر زمینه‌های فرهنگی از طبقه بالا که فرهنگ غرب سرمشقشان بود الگو می‌گرفت و قشر پایین از طبقه متوسط. رواج بیشتر راه و رسم جدید زندگی که با ظهور تأسیسات و تجهیزات نو در ساختمان همراه بود، و استفاده از فرم‌ها و عناصر و مصالح خارجی به عنوان یک ارزش (جانی پور، ۱۳۷۹)، سبب ایجاد زمینه‌های اجتماعی برای الگوبرداری بخش خصوصی از برخی ابنیه به سبک جدید دولتی و عمومی شد.

اشاعه دیدگاه‌های فرهنگی جدید : رواج نگرش‌های فرهنگی جدید و شیوه‌های نوین زندگی ناشی از تأثیرات غرب از طریق تبلیغات و اثرات روانی توسط رادیو و تلویزیون بالخص بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ صورت گرفت. نگاه زیبایی‌شناختی جدید در غرب ناشی از مدرنیته و فلسفه جدید تکنولوژی و تأثیر صنعت نوین بر سبک‌های معماری و اثر این دیدگاه بر نگاه زیبایی‌شناسانه افراد جامعه ایران سبب اثرپذیری افشار مرفه و متوسط از معماری بناهای دولتی و عمومی استوار بر این نگرش شد. از سال ۱۳۵۰ به بعد دید زیبایی‌شناسی برخاسته از بازشدن به معماری سنتی ایران در ترکیب با سبک مدرن معماری بروز می‌کند.

وابستگی سازمان اقتصادی کشور : در تقسیم جهانی کار بعد از جنگ جهانی دوم، اقتصاد کشورهای تحت سلطه به سوی اقتصادی تک محصولی سوق داده شد و ایران پایه‌های اقتصادی خویش را بر تولید روزافزون نفت قرار داد و این اقتصاد از این پس



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

با افت و خیزهایی همراه شد که از سوی جهان سرمایه داری بر بازار نفت تحمیل می شد. (حبیبی، ص ۱۷۹) منافع اقتصادی در کشورهای سرمایه داری عامل سیاست دروازه های باز در ۱۳۳۶ و استحاله جامعه تولیدی به جامعه مصرفی بود. ایجاد قطب های صنعتی و کشاورزی و تجهیزات زیرساختی و روبنایی و لذا تمرکز فعالیت ها در بعضی شهرها و سبب افزایش مهاجرت به این شهرها شد و مسئله اسکان آنها را در پی داشت. این امر موجب اثرگیری از معماری مدرن به علت سادگی، هزینه کم و سرعت ساخت شد. در دهه ۵۰ با افزایش قیمت های جهانی و داخلی، دولت اقدام به پرداخت یارانه در زمینه هایی مانند سیمان و غیره کرد.

نتیجه گیری

در اینکه شیوه معماری و شهرسازی پهلوی با از هم دریدن بافت قدیم و تغییر ساختار الگوی معماری بناها ضمن تخریب مهمترین فضاها شهر سنتی، سازمان مدنیت و ساختار اقتصادی و اجتماعی و شالوده شهر کهن را بدون توجه به پیامدهای ویرانگر چنین مداخلاتی (خصوصا بافت قدیم شهر ارومیه) جای شبهه ای نیست اما وارداتی انگاشتن نوگرایی رضا خانی، نادیدن تاریخ تجددخواهی از عباس میرزا تا مشروطیت است حتی اگر این تجدد خواهی با خواست بیرونی هم سو شود و حتی اگر مستبدانه اعمال گردد نمی توان مداخلات معماری و شهرسازی رضا خان را عرضی، صوری، خودسرانه و بی هیچ پشتیبانه تئوریک و از پیش اندیشیده ای تلقی نمائیم. میراث تجدد خواهانه ملت استبداد زده ایران پس از برگزیدن امنیت مستبدانه در مقابل آزادی اغتشاش انگیز، ناگزیر به دستگاهی دیوان سالار منضبط پناه آورد که ایده هایش را محقق کند و در این راستا، معماری و شهرسازی محمل این رویا بود. اشتباه اصلی آنجائی رخ داد که وضع موجود "بافت شهری"، مانعی در جهت نیل به تجدد فرض شد و برای حذف آن ساده ترین راه یعنی بهره گیری از نسخه های آزموده شده در بلاد مترقی پیش گرفته شد.

همچنین بررسی ها و مطالعات انجام شده نقش وافر و تعیین کننده حکومت در تغییر معماری خصوصی را آشکار می سازد و نشان می دهد که دولت در بخشی از معماری مردمی تاثیر گذارده و اهداف معمارانه اش را محقق نموده است. حکومت از دو جنبه در معماری بخش خصوصی تاثیر نهاده است: بعد غیر فیزیکی و بعد فیزیکی. از یک سو تحولات چندجانبه ی غیر فیزیکی که دولت در زندگی مردم به وجود آورد و ابعاد مختلف سیاسی و برنامه ای، سیاسی نظامی، اقتصادی- برنامه ای و فرهنگی- اجتماعی را در بر می گرفت. در واقع فضا، شرایط و اوضاعی ایجاد گردید که در معماری مردمی هم مؤثر واقع شد. از سویی دیگر با پیاده کردن معماری مورد نظرش یعنی معماری معاصر غربی در ابنیه دولتی و عمومی، الگوهایی را به جامعه عرضه کرد و در تغییر خواسته ها و رویکرد معماری مردمی تاثیر گذارد.

بنابراین در دوره پهلوی به ویژه پهلوی اول، نقش عوامل دولتی این بود که عمدتا موجب شوند تغییرات در معماری که از اواسط قاجار ایجاد شده بود و شامل معماری التقاطی قرن ۱۹ اروپا در بناهای خصوصی و حکومتی بود، ادامه یابد و با تداوم دگرگونی های به وجود آمده از اواسط قاجار، شیوه های جدیدی در معماری مردمی و دولتی مبتنی بر معماری غربی بروز نماید.

مراجع

- [۱] کیانی، مصطفی، معماری دوره پهلوی اول، تهران، نشر شهر، چاپ سوم، ۱۳۹۳
- [۲] رجبی، پرویز؛ معماری ایران، در عصر پهلوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵
- [۳] بانی، امیر مسعود؛ معماری معاصر ایران، تهران، نشر هنر معماری قرن، ۱۳۸۸



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

- [۴] زرکش، افسانه. ۱۳۸۳. طرح پژوهشی تأثیر معماری بناهای دولتی بر معماری بناهای خصوصی در معماری معاصر ایران.
- [۵] زرکش، افسانه. ۱۳۸۴. وحدتی اصل، ابوالقاسم. ۱۳۷۴. نگرشی به معماری و ساختمان سازی در شهر تهران.
- [۶] مصاحبه منتشر نشده با وحدتی اصل، قاسم.
- [۷] زرکش، افسانه، ۱۳۸۸، نقش و تاثیر عوامل دولتی در معماری بناهای خصوصی دوره پهلوی اول، ماه هنر
- [۸] بسکی، سهیل. زمستان ۱۳۷۴. آغازگران معماری امروز ایران، گفتگو با مهندس پرویز کیهان، مجله آبادی
- [۹] صارمی، علی اکبر. تابستان ۱۳۷۵. جای پای معماری جدید ایرانی در آتلیه های دهه ۴۰. مجله آبادی
- [۱۰] معرفت، مینا؛ سیدی، سیداحمد و وثوقی خزائی، فاطمه. ۱۳۷۵. پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند. در تهران، پایتخت دویست ساله (مجموعه مقالات)، زیر نظر شهريار عدل؛ برنارد اورکاد؛ ت: ابوالحسن سروقد مقدم، سيد احمد سیدی، فاطمه وثوقی خزائی. تهران: نشر سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- [۱۱] اعتصام، ایرج. ۱۳۷۹. بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا. در باقر آیت ا... زاده شیرازی و مدیریت انتشارات و تولیدات فرهنگی، آورنده. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، ج ۳، تهران
- [۱۲] باور، سیروس. تابستان و پاییز ۱۳۸۳. معماری در دوره پهلوی دوم. مجله معماری و فرهنگ
- [۱۳] جانی پور، بهروز. ۱۳۷۹. سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی. رساله دکتری منتشر نشده معماری، راهنما: امیر منصوری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- [۱۴] حبیبی، سید محسن. ۱۳۷۵. از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۵] ملک محمدی نوری، حمیدرضا. ۱۳۸۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.